



امام رضا(ع)؛ تالی تلو امیرالمؤمنین(ع) در تبیین فلسفه الهی

امام رضا(ع) در مناظرات و خطبه‌های خویش همواره بر پیوند ناگسستنی امامت و توحید و مشخص شدن حریم اسلام، تشیع و امامت تأکید کرده و به نوعی می‌توان گفت که سخنان نورانی نقل شده از ایشان، تالی تلو سخنان حضرت علی(ع) است.

امام رضا(ع) در مناظرات و خطبه‌های خویش همواره بر پیوند ناگسستنی امامت و توحید و مشخص شدن حریم اسلام، تشیع و امامت تأکید کرده و به نوعی می‌توان گفت که سخنان نورانی نقل شده از ایشان، تالی تلو سخنان حضرت علی(ع) است.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا مصطفی‌پور، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان نکاتی در باب زندگی و شخصیت حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا(ع) پرداخت و اظهار کرد: حضرت رضا(ع) شخصیت بی‌نظیری است که سیره فردی و اجتماعی ایشان، از جهات مختلف جای مطالعه و بررسی دارد و این ابعاد مختلف هم از شرایط سیاسی - اجتماعی خاص زمان و زمانه ایشان و هم شرایط فردی خود آن حضرت در مقام امام، حائز اهمیت است.

وی افزود: آمدن امام رضا(ع) از مدینه به سمت توس و خراسان، زمینه حفظ حریم تشیع، امامت و اسلام را فراهم کرد. یکی از نکات برجسته‌ای که با شنیدن نام شریف امام(ع) به ذهن متبادر می‌شود، حدیث سلسله الذهب است که در واقع، اساس و مبنای اندیشه تشیع یعنی پیوند ناگسستنی امامت و توحید را مشخص می‌کند.

این محقق و پژوهشگر عنوان کرد: حدیث سلسله الذهب نشان می‌دهد که یکی از دغدغه‌های حضرت رضا(ع) توحید و سپس امامت است که پیوند ناگسستنی با توحید دارد؛ فلذا امام(ع) می‌کوشند تا جایگاه امامت را در آن زمان، با شرایطی که برای ایشان فراهم آمده، تبیین و تثبیت کنند. از همین روست که ایشان پس از ورود به توس، مناظرات مختلفی با سران ادیان و مذاهب دارند که این گفت‌وگوها در حقیقت حریم اسلام، تشیع و امامت را مشخص می‌کند.

از جمله نکات مربوط به امام رضا(ع) این نکته مشهور است که پس از ظهور ایشان و در اثر برخوردها و تبیین‌های آن امام همام، در دوره ائمه پس از ایشان در شیعه دیگر انشعاب چشم‌گیری رخ نداده و همه انشعابات بزرگ در شیعه مربوط به دوران پیش از ایشان است.

حجت‌الاسلام مصطفی‌پور تصریح کرد: امروز ما می‌بینیم سخنان نورانی نقل شده از ایشان در آن خطبه‌ها و مناظرات، به نوعی تالی تلو سخنان حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) است و شاید از همین روست که هم‌چنان‌که علامه طباطبایی اثری با نام «#علی(ع) و فلسفه الهی» نگاشت، پس از ایشان علامه جوادی آملی نیز اثری با نام «#علی بن موسی الرضا(ع) و فلسفه الهی» را به رشته تحریر درآورد.

وی تشریح کرد: در واقع این دو امام اصول و مبانی کلی عقلی را در ارتباط با توحید، نبوت و امامت و مسائل دیگر، به گونه‌ای بیان می‌کنند که گویا هر دو در یک وادی قدم می‌زنند، با این تفاوت که در زمان حضرت امیر(ع) هنوز فرقه‌های اسلامی پا نگرفته بودند، اما در زمان امام رضا(ع) فرق گوناگون کلامی و سیاسی مانند معتزله، جبریه، مرجئه، زیدیه، اسماعیلیه و ... ظهور کرده‌اند که آن حضرت با آنان برخوردهایی نیز داشته‌اند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم افزود: از دیگر نکات مربوط به امام رضا(ع) این نکته مشهور است که پس از ظهور ایشان و در اثر برخوردها و تبیین‌های آن امام همام، در دوره ائمه پس از ایشان در شیعه دیگر انشعاب چشم‌گیری رخ نداده و همه انشعابات بزرگ در شیعه مربوط به دوران پیش از ایشان است.

وی خاطرنشان کرد: این نکته نشانگر آن است که یکی از کارهای عمده امام(ع) در کنار تشریح بحث توحید، همین بحث امامت بوده است و وقتی امامت به خوبی تبیین شد، شرایطی آماده شد تا دیگر در شیعه کسی تفرقه و تفرقی ایجاد نکند و از همین روی باید گفت که مهم‌ترین مسئله‌ای که امام(ع) در سفر خود از مدینه تا مرو بیان می‌کنند، همین داستان ناگسستنی امامت و توحید است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم اظهار کرد: در کنار این مسئله باید به سخنرانی‌ها و خطبه‌های آن حضرت درباره امامت نیز توجه کنیم که به تشریح جایگاه امام و امامت در نظام معارفی اسلام پرداخته‌اند، چرا که امامت به عنوان درخت تنومندی است که اسلام در پرتو بار و آثار آن به حیات خود ادامه می‌دهد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نماز عید مشهور امام رضا(ع) گفت: از منظر آموزه‌های دینی ما برگزاری نماز عید بر عهده امام معصوم(ع) است و تنها او می‌تواند این نماز را برگزار کند. امام رضا(ع) این نماز را به‌گونه‌ای برگزار می‌کنند که شکوه امامت را در برگزاری آن نشان دهد و مأمون چون این تصور را از چگونگی برگزاری نماز عید ندارد، در برابر امام(ع) موضع نشان داده و حتی از ادامه راه ایشان برای رسیدن به مصلا و برگزاری نماز ممانعت می‌کند.

حجت‌الاسلام مصطفی‌پور تصریح کرد: این نکته نشانگر محویت مسئله امامت است و شاید همین اقدامات امام(ع) باعث شده است تا ما بعد از آن حضرت انشعابی در تشیع نداشته باشیم. گرچه در دوران غیبت امام زمان(عج) يك سلسله انشعابات (مانند بابیه، بهائیه و ...) از سوی برخی از مدعیان رخ می‌دهد، اما با این حال باز فرقه مستقل ریشه‌دار و بارزی ایجاد نمی‌شود و ظهور فرقه‌های مطرح و اساسی (زیدیه، اسماعیلیه و ...) همگی پیش از امام رضا(ع) اتفاق افتاده است.